

زمان و مکان عقود غیر حضوری در حقوق ایران و افغانستان

محمد اسحق عارفی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی؛ دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع) - تهران.

چکیده

زمان و مکان در عقود غیر حضوری مورد تأمل زیادی است. چرا که زمان و مکان در این گونه عقود، همزمان و هم مجلس نیست. در این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از داده های کتابخانه‌ای در تلاش پاسخ به این مسئله هستیم که عقود غیر حضوری در چه مکان و زمانی ابرام می‌گردد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد. که در حقوق افغانستان با توجه به نظریات چهارگانه، نظریه اطلاع را به عنوان اصل و قاعده تلقی کرده. و وصول قبولی را قرینه ای بر اطلاع دانسته است بند ۲ ماده ۵۲۳ در این زمینه مقرر کرده است: «قبول به مجرد وصول به ایجاب کننده چنان فرض می‌شود که، به آن علم حاصل شده است». در حقوق ایران با توجه به ماده ۱۹۱ قانون مدنی نظریه اعلان مورد پذیرش قرار گرفته است. و مکان عقد با توجه به حقوق افغانستان مکان ایجاب کننده و اما بر طبق حقوق ایران مکان مخاطب ایجاب می‌باشد. با این توصیف، حقوق ایران و افغانستان از نظر زمان و مکان در عقود حضوری تفاوت چشم گیری دارند.

واژه‌های کلیدی: عقود غیر حضوری، زمان و مکان، ایجاب و قبول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

تأثیرات پیشرفت وسایل ارتباطی در انعقاد عقود به هیچ نحوه نمی‌توان انکار کرد. برعکس آنچه که در گذشته معمول بود؛ امروزه تعدادی قابل توجهی از عقود را می‌توان برشمرد که سابقاً طرفین در یک مجلس می‌آمدند. و عقد را منعقد می‌کردند. ولی حالا بدون این‌که؛ در یک مجلس و یا در یک زمان باهم باشند عقودی را ایجاد می‌کنند. شرکت‌های بزرگ تولید مبادرت به تهیه وسایل مورد ضروری خود می‌نمایند. و چه بسا از یک کشور به کشور دیگر، درخواست (ایجاب) بفرستند.

از بدیهیات است که امروزه اغلب خریدها از طریق تلفن، فکس و یا حتی نامه صورت می‌پذیرد. ایمیل نیز از دیگر وسایل ارتباطی است. که افراد در امر تشکیل عقود کمک شایان می‌نمایند. موارد زیادی است که امروزه مردم از طریق پست اقدام به ارسال و یا خرید و فروش می‌نمایند. استفاده از این امکانات علاوه بر این‌که از وقت افراد صرفه جویی می‌نماید. هزینه‌های هنگفتی از طرفین بر می‌دارد. چرا که لازم نمی‌آید ایجاب کننده وقت خود را برای رساندن ایجاب خود به کشور دیگر صرف کند. دیگر نیاز نیست که وی برای شناخت اوصاف خریداری شده، مال را از نزدیک ببیند بلکه وی می‌تواند. با استفاده از اینترنت و یا کتلاگ تمامی اموال را ببیند و برگزیند. و تقاضای خریداری نماید. که پس؛ از قبول تولید کننده میان این دو طرف، عقد منعقد می‌شود. و این فروشنده است که مبیع را در درب مشتری می‌رساند. و هزینه خود را دریافت می‌کند. از سوی دیگر، این عقود غیر حضوری با اصل سرعت در تجارت کاملاً هم خوانی دارد. چرا که نیاز نیست که روزها را صرف انعقاد کنیم بلکه هم می‌توانیم به کار دیگر خود برسیم و هم عقد جدید منعقد می‌شود. آنچه که در مزیت عقود غیر حضوری نگارش کردیم، در شمار نیست می‌تواند بالا تر از این هم فواید، و مزیت‌های را داشته باشد. ولی آنچه که باید مورد تحقیق و تأمل بیشتر قرار دهیم این است که؛ زمان و مکان عقود غیر حضوری چگونه است؟ به تعبیر بهتر، عقد غیر حضوری در چه زمان و مکانی تشکیل می‌شود؟ برای بررسی این مورد نیاز است که برخی از مصادیق از این عقود را مورد مطالعه قرار دهیم تا به اصل سوال پاسخ دهیم. به یاد داریم که عقد غیر حضوری به عقدی اطلاق می‌شود که طرفین در زمان بیان ایجاب و قبول در یک مکان و چی بسا در یک زمان نیستند. بحث زمان و مکان عقود از مباحثی مهمی است که گزافه گویی نیست که اگر بگوییم تقریباً همه نظام‌های حقوقی نسبت به این موضوع اعلان موضع کرده‌اند. در زمینه انعقاد عقد در این عقود، نظریات مختلفی ارائه شده است. که در هر نظام حقوقی از یکی از این نظریات پیروی شده است. در کتب حقوقی، آنچه که مورد توجه قرار می‌گیرد، عقد از طریق نامه یا مکاتبه است. بدون شک، مهم‌ترین مصداق عقود غیر حضوری عقود مکاتبه‌ای است. که چهار زمان در آن طرح می‌گردد. برای وضوح مطلب نیاز است که مثالی در این رابطه زکروشود، تا بعداً نسبت به آن مواضع حقوق ایران و افغانستان را بیان کنیم.

به عنوان مثال محمود مقیم کشور دانمارک است. و به کریم که فروشنده قالین افغانستانی در افغانستان است. از طریق نامه پیشنهاد فروش قالین را می‌نماید. کریم نامه را در کابل دریافت می‌کند. و پس از دریافت نامه، قبول نموده لکن قبل از ارسال به کشور پاکستان می‌رود. و از آنجا نامه قبولی خود را دوباره از طریق نامه به مقصد دانمارک می‌فرستد. نامه آقای محمود در دانمارک می‌رسد. لکن وی آن را باز نمی‌کند چرا که وی عازم کشور آمریکا بوده ولی و پس از آنکه به آمریکا می‌رسد، نامه را می‌خواند. و از مفاد آن اطلاع می‌یابد. حال اگر دقت کنیم در این رد و بدل ایجاب و قبول چهار زمان مورد توجه است:

۱- زمان اعلان «نگارش نامه توسط کریم در کابل»

۲- زمان ارسال «ارسال نامه توسط کریم از پاکستان»

۲- زمان وصول «دریافت نامه توسط محمود در دانمارک»

۳- زمان اطلاع «اطلاع محمود از قبول کریم در آمریکا»

اگر خوب دقت کنیم در تمام این نظریات ملاک زمان قبول است. چرا که تا زمانی که قبول واقع نشده باشد، عقد در کار نیست. تا این‌که بحثی از زمان و مکان آن صورت بگیرد. به عنوان طرح مطلب یاد آور می‌شویم که بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون بیع بین المللی کالا نیز مقرر می‌کند، که ایجاب هنگامی نافذ می‌شود. که به مخاطب برسد و بند ۱ ماده ۲-۳- اصول قراردادهای تجاری بین المللی نیز تصریح می‌کند. که ایجاب وقتی واجد تأثیر قانونی خواهد بود که مخاطب ایجاب، آن را وصول نماید. حال باید به همین سوال پاسخ دهیم که این عقود در چه زمانی منعقد می‌شوند. برای بررسی این مورد در این مقاله ابتدا به بیان نظریات

چهارگانه مطرح در زمینه عقود غیر حضوری پرداخته، سپس به مصادیق عقود غیر حضوری مطالب را بیان نموده، و در نهایت به فواید زمان و مکان در تشکیل عقود خواهیم پرداخت.

۲. بررسی نظریات چهارگانه در حقوق ایران و افغانستان

در این مبحث سعی صورت می‌گیرد که بررسی شود. که از میان چهار نظریه کدام یک مورد پذیرش حقوق ایران و افغانستان است. و ضمناً در صورت پذیرش یکی از این نظریه، مکان آن چگونه تشخیص داده می‌شود.

۲.۱. زمان انعقاد عقود غیر حضوری

برای این که؛ بتوانیم بحث به صورت درست طرح کنیم نیاز می‌بینیم که حقوق ایران و افغانستان را جداگانه بررسی نماییم.

۱-۲. زمان انعقاد عقود غیر حضوری در حقوق افغانستان

گفتیم که در عقود غیر حضوری چهار نظریه مورد توجه است؛ ۱- نظریه زمان اعلان ۲- نظریه زمان ارسال ۳- نظریه زمان وصول ۴- نظریه زمان اطلاع.

اگر نظریه اعلان را بپذیریم عقد در زمانی منعقد می‌شود که قبول کننده، قبول خود را اعلان می‌کند. در عقود غیر حضوری همین که؛ مخاطب ایجاب، قبولی خود را بر روی کاغذ نوشت عقد ایجاد می‌گردد. به دلیل این که؛ همین که شخص نامه را نوشته، قبولی به یک نحوی اعلان می‌گردد. این نوع اعلان از این جهت است که تنها رضایت باطنی کافی نیست. باید اراده به نحوی اعلان گردد. به همین خاطر ماده ۵۰۹ قانون مدنی افغانستان نحوه اعلان اراده را مشخص می‌کند. و بیان می‌دارد: «اظهار اراده توسط گفتار، نوشتار و یا اشاراتی که عرفاً متداول باشد، صورت می‌گیرد. هم‌چنان اظهار اراده به داد و ستد یک بر حقیقت یک عقد صراحتاً دلالت نماید، صورت گرفته می‌تواند.» برطبق نظریه ارسال هرگاه مخاطب ایجاب، قبول خود را اعلان کرد و پس از آن نامه را دوباره ارسال کرد، عقد محقق می‌شود. دلایل در این زمینه مطرح شده است. این است که پس از ارسال ایجاب دیگر، قابل نمی‌تواند نسبت به آن قبولی خود تغییرات بیاورد. به تعبیر دیگر، از اراده وی خارج می‌شود. و تعدادی دیگر هم می‌گویند؛ دفتر پست به عنوان نماینده ایجاب کننده برای دریافت قبول است؛ بناءً، با تحویل به اداره پست این عقد ایجاد می‌گردد چرا که در حقیقت با این تحویل، قبولی قابل به ایجاب کننده اعلان شده است.

در نظریه وصول باید نوشت که زمانی عقد منعقد می‌شود. که نامه قابل به ایجاب کننده برسد. چه این که ایجاب کننده هنوز نامه را خوانده باشد و یا این که هنوز نخوانده باشد؛ ولی وی می‌تواند که قبل از این که نامه قابل به وی برسد؛ از ایجاب خود رجوع کند ولی اگر به دست وی رسید این رجوع از وی برداشته می‌شود.

و نظریه اطلاع به این نحوه است. که ایجاب کننده، نامه ی قابل را کاملاً مطالعه کرده باشد. و از مفاد نامه آگاه شده باشد تا عقد منعقد گردد. به نظر می‌رسد که این نظریه معقول تر باشد تا این که؛ شخص از قول اطلاع نیابد چگونه عقد را منعقد شده بدانیم. پس برطبق این نظریه، زمان انعقاد عقد، زمان اطلاع از قبول است. در قانون مدنی افغانستان در مورد این نظریه چهارگانه اعلان موضع نموده است. قانون مدنی افغانستان نظریه اطلاع را پذیرفته است. با این نگاه، عقد غیر حضوری در مکانی ایجاد می‌گردد. که قبولی قابل به ایجاب کننده برسد و وی از آن اطلاع حاصل نماید. بند ۱ ماده ۵۲۳ قانون مدنی افغانستان در این مورد مقرر می‌دارد: «عقد بین طرفین غایب در زمان و مکانی کامل پنداشته می‌شود که ایجاب کننده از قبول طرف مقابل علم حاصل کرده باشد. مشروط بر این که؛ طرفین یا احکام قانون، مخالف آنرا تصریح نکرده باشد».

و همین‌طور، در نظریه اطلاع را به عنوان اصل و قاعده تلقی کرده است. و وصول قبولی را قرینه ی بر اطلاع دانسته است. بند ۲ ماده ۵۲۳ در این زمینه مقرر کرده است: «قبول به مجرد وصول به ایجاب کننده چنان فرض می‌شود که؛ به آن علم حاصل شده است.» با توجه به این بند قانون مدنی افغانستان همین که قبول به دست ایجاب کننده رسید. فرض می‌شود که ایجاب

کننده از مفاد نامه علم حاصل نموده است. و عقد ایجاد می‌شود. مگر این‌که؛ خلاف آن را ثابت نمود هر چند نامه را وی به دست آورده است. اما هنوز از مفاد آن اطلاعی ندارد (رسولی، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۲).

۲-۱-۲. زمان انعقاد عقود غیر حضوری در حقوق ایران

اما در حقوق ایران باید گفت که به وضوح ماده صراحت ندارد. ولی دکتربین حقوقی این کشور بحث عقود غائبین را به کلی مورد تفحص قرار داده اند. و هر چند که موادی در این مورد صراحت ندارد. اما این ابراز نظریات شان اغماض از این‌که؛ اختلاف نظر دارند، این خلاء را به نحوی پر نموده است.

۲-۱-۲-۱. متفاوت بودن زمان انعقاد برحسب شرایط و اوصاف

دکتر جعفر لنگرودی، معتقد است. که عقد غائبین در حقیقت شفاهی نبوده بلکه از طریق نامه و تلگراف صورت می‌پذیرد. بدون این‌که؛ طرفین در یک مجلس حضور به هم رسانند. در عقد بین غائبین، بین طرفین فاصله مکانی و بین ایجاب و قبول فاصله زمانی متصور است (لنگرودی، ۱۳۴۹: ۱۶۹). این حقوق دان علاوه می‌کند. که در عقد بین غائبین از بین چهار نظریه، نظریه وصول مورد پذیرش است. اما نباید تنها به همین نظریه متکی بود؛ چرا که ممکن معاملات تجاری هر کدام برحسب اوصاف و شرایط خود، نظریات دیگری را مقتضی باشد. در جای دیگری، همین حقوق دانان پس از بررسی نظریات چهار گانه، نظریه اعلان قبول را می‌پذیرد. به باور این حقوق دان همان طوریکه در عقد بین حاضرین، عقد از زمان صدور قبول واقع می‌شود در عقد بین غائبین هم عقد از همین زمان شروع می‌شود. و فرقی قایل نمی‌شویم به عبارت واضح تر، در این صورت عقد در زمان صدور قبول واقع می‌شود. ولی آثار آن خود را از زمان اطلاع از قبول به وجود می‌آورد. ایراد ایشان بر نظریه اطلاع این است. که منشاء عقد حضوری و غیر حضوری یک سان است. پس چرا باید میان این فرق قایل شویم؟ پس چرا این را نپذیریم که همانگونه که عقد بین حاضرین، عقد از موضع صدور قبول واقع می‌شود. در عقد بین غائبین نیز باید به همین شکل، نظریه اعلان بپذیریم (لنگرودی، ۱۳۴۹: ۱۷۷).

۲-۱-۲-۲. طرفداران نظریه ارسال

دکتر شهیدی، یکی دیگر از حقوق دانان ایران است. که نظریه ارسال را پذیرفته است. این حقوق دان معتقد است. که این نظریه همخوانی و هم نوابی با اصول و مقررات حقوقی کشور ایران دارد. آنچه در قانون مدنی ایران به عنوان عامل انعقاد عقد عنوان شده است. قصد انشاء همراه با وسیله ای ابراز است و عنصری دیگری همچون وصول قبول به ایجاب کننده یا اطلاع ایجاب کننده از قبول لازم تلقی می‌گردد. در عقد غیر حضوری قصد انشاء ایجاب کننده با تسلیم نامه قبول به پست، تحقق می‌یابد. برای انعقاد عقد نیاز به قصد انشاء همراه با وسیله ابراز آنست. این قصد انشاء زمانی محقق می‌گردد. که نامه قبولی تحویل پست گردد. وی بر نظریه اعلان نقد وارد می‌کند. و باور مند است که تنها نوشتن نامه کارساز نیست و نمی‌تواند که یک عمل حقوقی را به وجود آورد. چرا که چی بسا پس از نگارش نامه وی از این امر نادیم شود و حاضر نگردد که نامه را برای ایجاب کننده بفرستد. مثلاً پس از نگارش در مورد قیمت آن احساس رضایت نکرد و نامه برای ایجاب کننده نفرستاد. پس، تا زمانی که وی نامه را به ایجاب کننده نفرستاده است. در اختیارش است. که بفرستد و یا از آن عدول نماید و این نامه نوشتن دلیل بر اعلان اراده نمی‌باشد. اما اگر نظریه ارسال بپذیریم در این صورت، زمانی که نامه در صندوق پستی ریخته شد از اختیار قابل خارج می‌گردد و پست آن را به ایجاب کننده می‌رساند، اینجاست که قصد انشاء محقق می‌گردد. و ریختن نامه قبولی در صندوق پست، دلالت بر این دارد قصد انشاء مخاطب ایجاب می‌باشد. حال اگر انتقاد شود که قبل از ارسال هم قصد انشاء وجود داشته، اما باید گفت که نمی‌توانست، که اثری در انعقاد عقد داشته باشد چرا که دلالت بر قصد به صورت اثباتی ندارد. به باور ایشان نظریه وصول مردود است چرا که تحویل نامه به پست وسیله ای که عرف آن را پذیرفته و دلالت بر قصد انشاء قابل می‌کند.

دکتر شهیدی، نظریه اطلاع را هم نمی پذیرد و معتقد است. که آنچه در ماده^۱ ۱۹۱ قانون مدنی ایران مشعر شده است. همراهی قصد همراهی با چیزی است که دلالت بر انشاء قصد نماید؛ هر چند که در وهله اول دلالت ممکن نیست تا پس از خوانده ایجاب کننده. نتیجه بیان استدلال دکتر شهید، این می شود که ایشان می گوید با ارسال نامه قبول، تمامی ارکان یک عقد محقق می گردد. عقد در این زمان و مکان به وجود می آید، هر چند اثبات این مورد اندکی با مشکل مواجه خواهد بود. ولی اگر مخاطب ایجاب کننده بتواند ثابت کند که نامه را به ایجاب کننده فرستاده است. در این صورت عقد محقق شده تلقی می گردد.

۳-۲-۱-۲. طرفداران نظریه ارسال در صورت عدم اثبات خلاف آن

دکتر کاتوزیان، نظریه خود را با بیان این که باید میان دو موضوع ماهیت قبول و لزوم یا عدم لزوم اعلان قبول، فرق قایل شد بیان می کند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۶۱-۲۶۳). به باور ایشان تشخیص زمان وقوع عقد و قطعیت قبول، یک مسئله ما هوی است. که اصل ثابتی بر آن نمی توان حاکم ساخت دادگاه در هر مورد باید بر حسب اوضاع و احوال زمان صدور اراده قطعی مخاطب ایجاب را در یابد. چه بسا زمانی مخاطب ایجاب با نگارش اعلان اراده می نماید و یا این که؛ زمانی نوشتن تنها طرح قبول بوده ولی هرگاه می خواهد از طریق پست بفرستد، اراده قطعی اش بوده است. دکتر کاتوزیان، در این زمینه بیشتر به نظریه ارسال موافقت کرده است. معتقد است که شکی در این وجود ندارد که با ارسال نامه قبولی، قبول محقق می گردد. ایشان تاکید می نماید. که ارسال نامه قبولی، اماره ای قاطع بر انشاء قبول و اعلان اراده ی قطعی است. با این دیدگاه، هر گاه نامه فرستاده شود و پس از آن استرداد نماید، مانع نیست که ایجاب کننده استناد کند که عقد محقق شده است. چرا که اراده مخاطب ایجاب تا زمانی که تنها در ذهن است. اثری ندارد اما این که؛ با یک عامل خارجی همراه شد، اثر دارد مانند این که نامه نوشته شده و به اداره پست جهت ارسال داده می شود. دکتر کاتوزیان، ضمن پذیرش اثبات نظریه ارسال به یک اصل اشاره می دارد: «قبول وقتی واقع می شود. که نویسنده نامه قبولی، آن را از حالت درونی یا باطنی خارج ساخته و به اداره پست تحویل دهد. تا این لحظه ظاهراً گوینده قبول، در اعلان اراده خود قطعی نیست. و امکان تجدید نظر در تصمیم خود را برای خویش قائل است. ولی با سپردن نامه قبولی به پست، خود را پایبند می کند. از طرف دیگر، در عمل اثبات زمان امضاء نامه قبولی مشکل است. و نا گزیر باید تاریخ مهر و یا قبض اداره پست را ملاک قرار داد. از این به عنوان یک اصل، مخاطب ایجاب با ارسال نامه قبولی، قبول خود را اعلان می کند. کسی که خلاء اصل را ادعا کند باید دلیل را ارایه دهد. هرگاه در باره زمان انعقاد عقد، تردید شود، اصل بر این است که ارسال نامه قبولی عقد واقع می شود. برای انعقاد عقد، همینکه اراده باطنی به نحوی ظاهر شد و به صورت اراده ظاهری در آمد کافی است، از اینرو اگر هم عقد را نتیجه تلاقی اراده های ظاهری بدانیم، همینکه قبول به نحوی اعلان شد و اراده ی ظاهری با یکدیگر جمع شدند، توافق حاصل است. لزوم اطلاع از قبول همانند سایر نظریات در هیچ جای قانون پذیرفته نشده و شرطی است که طرف داران نظریه اطلاع از قبول به آن می افزایند بدون این که دلیلی بر لزوم آن داشته باشند». با توجه به بیانات دکتر کاتوزیان، باید گفت که برای انعقاد عقد لزومی بر اعلان و ابلاغ به ایجاب کننده نمی باشد. و هرگاه مخاطب ایجاب کننده به گونه ی اعلان اراده ی باطنی نماید کافی و وافی است و عقد منعقد می گردد. که بنابراین، نظریه ارسال مورد پذیرش بوده و لکن خلاف آن قابل اثبات خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۶۱-۲۶۳).

۴-۲-۱-۲. نظریه ارسال کاشف از قبول

به باور دکتر صفایی، در عقود غیر حضوری، ایجاب و قبول کافی است. لکن در ادامه علاوه می کنند که این امر هم قابل پذیرش نیست. که همیشه با نوشتن و امضاء نامه، قبول قطعی است. چرا که هنوز قبول کننده تصمیم قاطع خود را بر ارسال نامه ندارد چه بسا که ارسال نکند. برای تشخیص زمان انعقاد عقد باید اراده قطعی مخاطب ایجاب کننده را در یافت چرا که زمانی که نامه ارسال نکرده باشد، قرینه بر این است. که هنوز که هنوز است تصمیم قاطع برای انعقاد عقد ندارد. این زمانی قطعی تلقی

^۱ - ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران: عقد محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.

می‌گردد. که فرد نامه را به اداره پست ارسال بدارد. با این وصف، به باور آقای دکتر صفایی می‌توان ارسال را کاشف از قبول شمرد، مگر این که قبول از قبل تحقق ارسال، ثابت گردد.

در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که حقوق دانان ایرانی به دو دسته تقسیم شده اند تعدادی بر نظریه ارسال تاکید دارند. و بعضی هم از نظریه اعلان طرفداری می‌کنند. به هر صورت، اگر به مواد قانون مدنی ایران دقت صورت گیرد. نظریه اعلان قبول، مورد پذیرش قرار گرفته است (ابهری، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

ذکر این نکته هم خارج از ثمر نیست: فرق بسیار دقیقی میان اعلام و اعلان وجود دارد. با این ترتیب که اعلان از ریشه علنه است به معنای علنی کردن و آشکار نموده است. مانند این که بگوییم شخص اراده خود را اعلان کرد یعنی با نوشته یا اماره آشکار کرد. در حالیکه اعلام به معنی علم و آگاهی. پس، اگر بگوییم که مخاطب ایجاب اعلام کرد به این معنا که باید به آگاهی ایجاب کننده برسد. یعنی هدف اطلاع داده به ایجاب کننده است (ابهری، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

برای این بحث که نظریه اعلان قبول در دیدگاه این تحقیق صحیح است. باید دلایل ذیل را اقامه کنیم:

یک) ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران

بر طبق ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران، عقد به اراده‌ای باطنی محقق می‌شود. مشروط بر این که؛ با وسیله ابراز شود که مبین قصد باشد. حالا اگر در نظر بگیریم که مخاطب ایجاب، چه زمانی اراده ی باطنی خود را ابراز می‌دارد. به نظر می‌رسد. که وی هنگامی که می‌نویسد و این نوشتن بر کاغذ در حقیقت ابراز اراده ی باطنی است. که برشی خارجی می‌نویسد. متن ماده مذکور این گونه است: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقررون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». برخلاف نظریه تعدادی از حقوق دانان (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۶۳). که بر نظریه اعلان نقد وارد می‌کردند و می‌گفتند که چه بسا پس از نوشتن، مخاطب ایجاب دوباره منصرف شود و آنهم به دلیل این که پس از نوشتن به سبک و سنگینی موضوع مورد معامله می‌پردازد. در حالی که فرد همین که نامه ایجاب را دریافت عقلاً حکم می‌شود که وی تحقیق را در زمینه مورد نظر انجام دهد و بعداً معامله که همان نوشتن جواب است. را انجام می‌دهد. و این همانند همان عقد حضوری است که هر دو طرف اولاً موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند. بعداً وارد معامله می‌گردند. نه این که اول ایجاب و قبول صورت بگیرد بعداً به تحقیق بپردازد. دلیل دیگر نیز مورد نقد است. که شخص که نامه را نوشته و هنوز تسلیم اداره پست نکرده است. ممکن که به آن تغییرات بیاورد و یا از آن منصرف شود. چرا که اگر نظریه اعلان را قبول کردیم دیگر، عقد منعقد شده است و فرد نمی‌تواند که به اختیار خود از آن صرف نظر کند و یا تعدیلات به آن افزوده کند. فراموش نکنیم که از بین بردن ورقه جواب ایجاب کننده، تنها وسیله اثبات را از بین می‌برد نه عقد را. در اینگونه موارد گاه از شهادت شهود برای اثبات این امر استفاده می‌شود و اگر شهودی در هنگام امضای ورقه قبول نبوده است. از اقرار فرد مخاطب ایجاب که بگوید من نوشتم ولی به دلیل دوباره پشیمان شدم. حال در نبود هر دو دلیل (شهادت شهود و اقرار) باز هم ماده ۱۹۷ قانن آیین دادرسی ایران مقرر کرده است. که فرد که ادعا می‌کند نامه ی قبولی را امضاء نکرده است. باید سوگند یاد کند: «اصل بر براءت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را ثابت کند، در غیر اینصورت با سوگند حکم براءت صادر خواهد شد.» حال به این فرض دقت می‌کنیم که قابل نامه قبولی را امضاء کرده اما بعداً منکر آمد که چنین عملی را انجام نداده است. ایجاب کننده در صدد اثبات این امر می‌برآید؛ بدون شک، گاه گاهی اوقات اسناد و قراین در دست ندارد، در نهایت متوسل به ادای سوگند توسط منکر (مخاطب ایجاب) می‌شود که در صورتی که مخاطب ایجاب چنین کاری انجام داده باشد؛ قطعاً سوگند اداء نخواهد کرد که در اینصورت حکم به نفع ایجاب کننده صادر خواهد شد. فراموش نکنید این مورد مد نظر ما است. که شخص مخاطب ایجاب جزم در اعلان اراده خود بر روی کاغذ را داشته باشد و الا اگر ثابت شود که از روی تمرین و مزاح بوده است. اثر حقوقی ندارد (ابهری: ۱۳۸۴، ۱۷۸).

تعدادی از حقوق دانان نیز بر همین امر تاکید کرده اند. و نظریه ارسال را مخدوش می‌داند بلکه باورمندند که تشخیص زمان وقوع و قطعیت قبول یک مسئله ای ما هوی است. که در هر مورد باید بر حسب احوال و اوضاع، نظریه را طرح کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۶۳-۲۶۲). هر چند تعدادی دیگر معتقد اند. که تا زمانی که نامه در دست مخاطب ایجاب است. می‌تواند آن را از بین

ببرد و تا الحال هیچ عقد به وجود نیامده است. منتها هرگاه نامه به دست پست رسان برساند در این صورت عقد محقق می‌گردد (صفایی، ۱۳۸۲: ۸۸).

دو) اصل رضایی بودن عقود

در حقوق ایران اصل این است. عقود بر اساس رضایت به وجود می‌آید. با این نگاه عقد در حقوق به ایجاب کننده صرف ایجاب و قبول محقق می‌گردد. به عبارت دیگر، در عقود رضایی «اقتران ایجاب و قبول کافی است، پس تراضی، عقد است» (سنهوری، ۱۳۹۴: ۶۶). باین وصف، نیاز مند این تشریفات نیست که حتماً، برای تحقق آن مراحل دیگر، از جمله اطلاع از قبول انجام شود. ماده ۳۳۹ قانون مدنی ایران نیز در این مورد مقرر کرده که موید نظریه اعلان قبول است: «پس از توافق بایع ومشتري در مبيع وقيمت آن، عقد بيع به ایجاب قبول واقع می‌شود...».

سه) ماده ۱۹۳ قانون مدنی ایران

این ماده نحوه انشاء معامله را مقرر کرده است. که ممکن است به وسیله عملی باشد که مبین قصد و رضا شناخته شود. این ماده مقرر کرده است: «انشاء معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد، مثل قبض و اقباض، حاصل گردد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد».

به عنوان مثال ماده ۶۵۸ قانون مدنی ایران در رابطه با بحث وکالت مقرر کرده است: «وکالت ایجاباً و قبولاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود». این مورد مخصوصاً در عقود غیر حضوری کاربرد دارد چرا که چی بسا موضوع عقد غیر حضوری، انجام یک عمل باشد که شخص با انجام آن اراده ی باطنی خود را تبارز دهد. باتوجه به بیان دلایل بالا به نظر می‌رسد. که نظریه اعلان با مواد از قانون مدنی ایران هم صدا و هم نوا باشد. هر چندکه اثبات نظریه اعلان اندکی مشکل به نظر می‌رسد؛ ولی می‌توان با تسمک به ادله اثبات دعوا چون سوگند، در پی اثبات این امر باشیم.

در مورد این که؛ آیا طرفین می‌توانند صرف نظر از موضع حقوق ایران و افغانستان توافق به زمان نمایند؟ باید گفت که باید تأمل کرد که عقد از اراده طرفین به وجود می‌آید و زمان از زمان تشکیل عقد. پس، سازنده عقد اراده طرفین نیست، بلکه توافق دو اراده است. پس، آنچه که در اختیار طرفین است. آثار عقد است در وهله ی اول به نظر می‌رسد که دیگر، طرفین حق تغییر زمان را ندارند. لکن تعدادی از حقوق دانان می‌گویند که باید تذکر داد که چنین نیست و طرفین همانطوریکه عقد را به وجود می‌آورند می‌توانند نسبت به زمان آن نیز به توافق برسند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۶۶).

موقف در این پایان‌نامه این است. که آنچه از ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران به دست می‌آوریم این است که در عقود غیر حضوری، زمان را قانون تعیین می‌کند نه طرفین. با این نحوه، زمانی که نامه قبولی نوشته شد، عقد منعقد می‌گردد. دیگر نیاز نیست که طرفین هم در مورد زمان آن بحث نمایند. تنها کاری که می‌توانند نسبت به آثار عقد است.

۲-۲. مکان عقود غیر حضوری در حقوق افغانستان و ایران

در مورد مکان انعقاد عقد نیز همانطور که گفته شده است. چون عقد معمولاً از دو رکن یکی ایجاب و دیگر قبول تشکیل شده است. پس، هر جا که مخاطب ایجاب، قبول خود را ابراز کند، مکان در نظر گرفته می‌شود. حالا باید دید که در حقوق افغانستان و ایران مکان عقد غیر حضوری یکسان است. گفتیم که در حقوق افغانستان نظریه اطلاع (اعلام) پذیرفته شده است. و از آنجا که گفتیم عقد زمانی محقق می‌شود که قبول به نحوی بیان شود. حالا در حقوق افغانستان باید این ابراز قبول مخاطب ایجاب، باید به ایجاب کننده برسد تا عقد محقق شود؛ پس، مکان عقد غیر حضوری در حقوق افغانستان مکان ایجاب کننده است. اما

در حقوق ایران، از آنجا که نظریه اعلان پذیرفته شد، پس، مکان عقد غیر حضوری، مکان مخاطب ایجاب است. برای واضح شدن این مورد بایک مثال که در آغاز بیان کردیم برای وضوح مطلب آن را شرح می‌دهیم.

محمود مقیم کشور دانمارک است. و به کریم که فروشنده قالین افغانستانی در افغانستان است. از طریق نامه پیشنهاد فروش قالین را می‌نماید. کریم نامه را در کابل دریافت می‌کند و پس از دریافت نامه، قبول نموده؛ لکن قبل از ارسال به کشور پاکستان می‌رود، و از آنجا نامه قبولی خود را دوباره از طریق نامه به مقصد دانمارک می‌فرستد. نامه آقای محمود در دانمارک می‌رسد لکن وی آن را باز نمی‌کند چرا که وی عازم کشور آمریکا بوده ولی، پس از آنکه به آمریکا می‌رسد، نامه را می‌خواند و از مفاد آن اطلاع می‌یابد. حال اگر دقت کنیم در این رد و بدل ایجاب و قبول چهار زمان مورد توجه است:

۱- زمان اعلان «نگارش نامه توسط کریم در کابل»

۲- زمان ارسال «ارسال نامه توسط کریم از پاکستان»

۲- زمان وصول «دریافت نامه توسط محمود در دانمارک»

۳- زمان اطلاع «اطلاع محمود از قبول کریم در آمریکا»

اگر خوب دقت کنیم در تمامی این نظریات ملاک، زمان قبول است. چرا که تا زمانی که قبول واقع نشده باشد، عقدی در کار نیست. تا این‌که؛ بحثی از زمان و مکان آن صورت بگیرد. پس، حالا بر طبق حقوق افغانستان مکان عقد در مثال بالا آمریکا است. چرا که وی در آنجا از مفاد نامه کریم اطلاع پیدا کرده است. اما باید توجه داشت که اگر قرینه‌ی وجود داشته باشد که محمود در دانمارک نامه که به دست اش رسیده است. از مفاد اطلاع یافته، بدون این‌که آن را باز کند، قرینه‌ی بر اطلاع است مگر این‌که؛ محمود خلاف اش را ثابت کند. پس، مکان ایجاب کننده، مکان وقوع عقد از دیدگاه قانون مدنی افغانستان است. اما در حقوق ایران به دلیل این‌که نظریه اعلان را پذیرفتیم؛ مکان وقوع عقد کابل است. چرا که مخاطب ایجاب (کریم) با نوشتن نامه قبول و امضاء آن در حقیقت اعلان اراده‌ی باطنی کرده است. هر چند که هنوز به محمود نفرستاده است. بناء، در حقوق ایران مکان وقوع عقد، مکان مخاطب ایجاب است نه مکان ایجاب کننده. در مورد این‌که، چه فواید دارد که کدام نظریه بپذیریم بعداً خواهیم نوشت.

۳. بررسی مصادیق عقود غیر حضوری

عقد غیر حضوری امروزه گسترش یافته است. و تنها منحصر به عقد مکاتبه‌ای نیست. این عقود بیشتر در معاملات تجاری قابل لمس است. از میان این همه وسایل ارتباطی جدید، شایعترین آنها تلفن، فکس و ایمیل است. که مورد کاربرد بسیاری از افراد قرار گرفته است.

۳-۱. عقد تلفنی

امروزه اغلب عقود با برقراری ارتباط تلفنی منعقد می‌شود. چنین عقود زیاد نیست که در روز هزاران عقد را بیان کنیم. انعقاد عقد در بین تجار امروزه به حد شایع است. که اگر در سابق وی با برای یک معامله اقدام می‌کرد، مجبور که روزهای را صرف می‌کرد تا به توافق می‌رسید اما امروزه چه بسا که در ظرف یک روز چندین قرارداد را منعقد کند. قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۲۴ عقد تلفنی را از حیث زمان در حکم عقد حضوری و از حیث مکان در حکم عقد غائبین دانسته است: «عقد بوسیله تلفون یا وسایل مماثل آن از حیث زمان مانند عقد بین طرفین حاضر و از حیث مکان مانند عقد بین طرفین غایب پنداشته می‌شود». از این نگاه، وقتی طرفین واقعاً یا حکماً در یک مجلس می‌باشند، قبول باید بدون فوت زمان ابراز گردد و به محض صدور قبول عقد محقق می‌گردد (سنه‌وری، ۱۹۵۲: ۲۱۴). حال در مورد مکان این عقد نیز می‌توان نوشت که بر طبق حقوق افغانستان مکان ایجاب کننده خواهد بود. چرا که قبلاً دریافتیم که عقد میان غائبین از نظریه اطلاع پیروی می‌کند. در عقود تلفنی در مورد زمان آن بحثی نیست. اما آنچه که توجه حقوق دانان را به خود جلب کرده است مکان وقوع عقد تلفنی است. تعدادی می‌گویند زمانی که شخصی زنگ می‌زند تا در باره خرید کالای صحبت کند. به این معناست که فرد به همان مکان رفته است و

عقد در همانجا منعقد می‌شود. مثلاً فرض کنید محمود از ایران به کریم در افغانستان تماس می‌گیرد و خواهان ارسال یک فالین می‌شود. در این صورت مکان وقوع عقد، افغانستان است. چرا که فرض این است که محمود به افغانستان رفته است و هر دو در یک مجلس اند و آنهم افغانستان. یا برعکس اگر کریم از افغانستان به ایران تماس بگیرد و به محمود پیشنهاد کند که فالین را بخرد عقد، مکان وقوع عقد ایران خواهد بود. (ابهری، ۱۳۸۴: ۱۹۵). ولی در حقوق افغانستان در عقود تلفنی مکانی ایجاب کننده (رسولی، ۱۳۹۵: ۷۲) مکان وقوع عقد تلقی می‌شود طوریکه ماده ۵۲۴ قانون مدنی افغانستان صراحت دارد.

در حقوق ایران در مورد زمان و مکان عقود غائبین حکمی وجود ندارد و تعدادی از حقوق دانان نیز در این مورد چیزی به دست نمی‌دهند. حقوق دانان ایرانی در مورد زمان عقد تلفنی مشکل نمی‌دانند ولی آنچه که اختلاف نظر دارند، همین بحث مکان وقوع عقد است. در اینجا اصل که قبلاً داشتیم و معتقد بودیم که مکان تابع زمان است، صدق نمی‌کند؛ پس، باید دنبال هویت مستقلی برای مکان عقد تلفنی باشیم. اگر طرفین در مورد مکان انعقاد عقد چیزی تصریح نکرده باشند؛ محل انعقاد عقد، محلی است. که در آنجا قبول اعلان شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۷۴). چرا که ما قبلاً گفتیم که در حقوق ایران نظریه اعلان سازگار تر است. اما تعدادی از حقوق دانان ایرانی عقد تلفنی را یک عقد حضوری می‌دانند شفاهاً معتقد شده است. اغماض از این که در دو مکان متفاوت اند. این گونه عقود از زمان صدور قبول منعقد شده و مکان عقد همان مکان مخاطب ایجاب است. به باور این دسته ای از حقوق دانان در مورد مکان وقوع عقد تلفنی دو چیز را باید در نظر بگیریم:

(یک) چون قبول جزء اخیر عقد است. که پس از صدور آن عقد کامل می‌شود، پس زمان عقد همان زمان صدور قبول است. و به تبع آن مکان نیز مکان صدور قبول است. اما با آنهم این مورد نقد است چرا که عقد از ایجاب و قبول شکل گرفته، نمی‌شود که از یکی آنها چشم پوشی کرد.

(دو) یا به این احتمال اهمیت دهیم که مکان تحقق عقد همان مکان ایجاب و قبول است. با این توضیح که همه امکان را در نظر بگیریم هم مکان ایجاب را و هم قبول را پس از بیان این موارد، این حقوق دانان پذیرش مورد دوم را از لحاظ عملی نمی‌پذیرند (لنگرودی، ۱۳۴۹: ۱۵۵-۱۵۶-۱۶۲). ولی با این همه، اختلافات پاسخ همان است که گفتیم که کدام نظریه را باید بپذیریم که ما در این پایان نامه نظریه اعلان را پذیرفتیم پس، مکان وقوع عقد، مکان، مخاطب ایجاب است. بر طبق حقوق ایران، در حقوق تلفنی نیز مکان تابع زمان است. و در زمانی که مخاطب ایجاب، اعلان قبول می‌کند، مکان وقوع عقد همانجاست (ابهری، ۱۳۸۴: ۲۰۱). تعدادی دیگری از حقوق دانان می‌گویند، در صورتی که طرفین از طریق تلفن در رابطه یا انعقاد عقد صحبت نمایند؛ در حکم عقد حضوری است. مادامیکه تلفن قطع نکرده اند. ایجاب کننده و مخاطب ایجاب می‌تواند از آن عدول نمایند اما هرگاه اتصال تلفن قطع گردد؛ عقد منعقد می‌گردد. و عدول از ایجاب یا قبول مثمر ثمر نخواهد بود (رشدی، ۱۹۹۸: ۲۶).

۲-۳. انعقاد عقد از طریق فکس

فکس دستگاهی است. که به واسطه یک خط تلفن، مکاتبات را از مکان به مکان دیگر انتقال می‌دهد که برای این هدف وجود دو دستگاه فکس، یکی در مبداء و دیگر در مقصد وجود داشته باشد. بدین نحو، شخص که می‌خواهد به دیگری فکس نماید؛ ابتداءً مطالب مورد نظر خود را تایب و می‌نویسد و پس؛ از آن از طریق شماره گیری فکس خود، به طرف مقابل (شماره فکس) تماس می‌گیرد که در این صورت، شخص مقصد که با زنگ خوردن دستگاه فکس تلفن را جواب می‌دهد و شخص مبداء از وی می‌خواهد که کلید شروع را فشار دهد که پس؛ از آن ارسال کننده نیز کلید شروع را می‌فشارد و با فشار آن، کار انتقال متن آغاز می‌گردد. در صورتی که ارسال با موفقیت انجام شود، ارسال کننده پیام حاوی موفقیت آمیز بودن ارسال، در یافت خواهد کرد. گاهی اوقات فردی در کنار دستگاه فکس مقصد نیست. در این حالت شخص مبداء کلید شروع را می‌زند و به صورت اتوماتیک، تصویر متن توسط دستگاه فکس به مخاطب می‌رسد، و پس؛ از حضور مقصد می‌تواند که نامه را بردارد. در هر صورت، برعکس هم به همین شکل است؛ که مقصد اگر بخواهد جواب دهد موارد بالا را تعقیب نماید.

حالا تصور کنیم که؛ عقدی از طریق فکس انجام می‌شود. محمود ایجاب خود را در رابطه با فروش یک دستگاه کاشی سازی را با قیمت معین و معلوم به کریم از طریق فکس می‌فرستد. کریم با دریافت فکس و مطالعه ی آن در صدد قبول ایجاب می‌برآید. حالا کریم قبول خود را بر رو کاغذ می‌نویسد و آن را امضاء می‌کند. پس آن را از طریق فکس مایل است. که با محمود در تماس شود، تماس می‌گیرد، و سپس کاغذ را در مکان مخصوص فکس می‌گذارد. تا ارسال نماید، پس از برقراری تماس، از ایجاب کننده می‌خواهد که کلید شروع را بفشارد، و این سبب می‌شود که تصویر قبول به ایجاب کننده برسد. حالا دوفرض است: اولاً اگر ایجاب کننده در کنار فکس باشد که سریعاً از مفاد اطلاع می‌یابد. ثانیاً اگر ایجاب کننده در کنار فکس نباشد بعداً بیاید در اولین فرصت اطلاع می‌یابد.

حالا باید چهار نظریه در این زمینه تطبیق کنیم:

الف: زمان اعلان (نوشتن نامه با امضاء)

ب: زمان ارسال (ارسال نوشته توسط دستگاه فکس)

ج: زمان وصول (قرار گرفتن تصویر متن در دستگاه فکس ایجاب کننده)

د: زمان از اطلاع (خوانش فکس توسط ایجاب کننده)

بنابراین، با توجه به حقوق افغانستان، از آنجا که نظریه اطلاع پذیرفته شده است. پس عقد از زمانی تحقق پیدا می‌کند شخص ایجاب کننده فکس واصله را برداشته و مطالعه نماید. مکان وقوع عقد نیز در همین جا است؛ به این معنا که شخص ایجاب کننده که اطلاع یافت در هر جا که بود، مکان تحقق عقد است.

در حقوق ایران از آنجا یک بر طبق ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران و دلایل که قبلاً مطرح کردیم و از جمله فکس را از جمله ی عقود مکاتبه ی دانستیم؛ نظریه اعلان مورد پذیرش است. و تحقق عقد از نظر زمان و مکان، زمان اعلان قبول است. یعنی موقعی که متن قبون نوشته و امضاء شده است. چرا که نوشتن نامه دلالت بر قصد انشاء می‌نماید. تعدادی از حقوق دانان ایرانی در مورد اظهار نظر نکرده اند اما بعضی شان مختصراً در این مورد بیان کرده اند عقد فکس در زمره همان عقود تلفنی اند؛ آنهم در زمانی که شخص مبداء و مقصد در زمان فکس باشند والا اگر مقصد در زمان فکس نباشد از این لحاظ مورد تأمل است. لکن هر چند در این مورد، تردید وجود دارد چرا که در دو مکان متفاوت انجام می‌شود. لکن تعیین تاریخ قراردادهای حاکم بر این فرض است. که محل انعقاد قرار داد محلی است. که قبول صادر شده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۷۴).

۳-۳. انعقاد عقد به وسیله ایمیل

ایمیل که ساده ترین راه ارتباطی است. امروزه پرکاربرد ترین وسیله ارتباطی مجازی به شمار می‌رود طوریکه معمول است. که امروزه هر کی یک ایمیل آدرس دارد. برای استفاده از این خدمات ارتباطی نیاز است که شخص باید یک آدرس بسازد که خیلی هم راحت و ساده ایجاد می‌شود. معمولاً مردم یا از خدمات (@Gmail.com) یا از خدمات (@yahoo.com) استفاده می‌کنند. کارایی هر دو یکی است منتها گزینه های متفاوتی دارند. با هرشکلی برای ارسال یک ایمیل اینگونه شروع می‌کنیم. آدرس ایمیل را که ساختیم حالا وارد حساب خود می‌شویم. در گزینه (Compose) کلید نموده تا ما را در صفحه ی هدایت نماید که ایمیل مقصد را بنویسیم. معمولاً پس از نوشتن آدرس ایمیل مقصد، عنوان ایمیل و مکانی برای نوشتن مطلب وجود دارد. البته گاهی اوقات به خاطر این که در صفحه مخصوص نوشتن، مطالب به هم می‌خورد، اکثر افراد تنها در آنجا از ارسال مطالب خود مقصد را آگاه می‌سازد و بقیه مطلب را در قالب ورد، پی دی اف و یا سایر قالب ها می‌فرستد. به هر صورت، پس از نوشتن آدرس ایمیل و مطلب و بارگذاری، ایمیل با کلیک روی واژه (Send) ایمیل ارسال می‌گردد. شاید چند ثانیه طول نکشد که ایمیل در دسترس مقصد قرار می‌گیرد. و طرف مقصد هم در صورتی که بخواهد جواب دهد به همین شکل اقدام خواهد کرد. حالا در نظر بگیریم که ایجاب و قبولی از طریق ایمیل انجام شده است. پس از تایپ مطلب مثلاً قبول فروش ملکی با کلیک روی گزینه (Send) مطلب ارسال می‌گردد. مخاطب ایجاب وقتی ایمیل خود را باز می‌کند، ایمیل ایجاب کننده را می‌یابد که در ابتداء سرپسته است اما با یک کلیک محتویات آن آشکار می‌گردد. مخاطب پس از خوانش، تصمیم دارد که پاسخ دهد، مطلب

را تایپ می‌کند و می‌خواهد که به ایجاب کننده بفرستد و بالای گزینه (Send) کلیک می‌کند. و به ایجاب کننده ارسال می‌شود. یا گاهی اوقات از گزینه (Reply) استفاده می‌نمایند. با هرروری، در این عقد هم چهار زمان مطرح است:

الف: زمان اعلان (تایپ و امضاء جواب ایمیل) البته امضاء معمولاً یا از طریق اسکرین است. و یا از طریق برنامه پنت (paint) کمپیوتر انجام می‌شود.

ب: زمان ارسال: (کلیک بالا گزینه Send)

ج: زمان وصول: (رسیدن ایمیل به حساب ایجاب کننده «گزینه unread message»)

د: زمان اطلاع: (خوانش مفاد ایمیل توسط ایجاب کننده «باز کردن گزینه unread message»)

بر طبق نظریه اعلان، عقد زمانی محقق می‌گردد که مخاطب ایجاب، جواب ایمیل را نوشته و امضاء کرده است. بر اساس حقوق ایران ماده ۱۹۱ قانون مدنی، در این زمان ارکان عقد محقق شده، و عقد ابرام می‌یابد. بر اساس نظریه ارسال عقد زمانی محقق می‌شود که مخاطب ایجاب کننده، بالای گزینه (Send) کلیک نماید. روی هم رفته، بر اساس نظریه وصول زمانی ارکان عقد تکمیل می‌شود. که ایمیل به حساب ایجاب کننده رسیده باشد و در قالب unread message باشد. و در نهایت برپایه نظریه اطلاع عقد زمانی تشکیل می‌شود که ایجاب کننده با باز کردن گزینه «unread message» مطالب ایمیل را بخواند و اطلاع حاصل کند. این نظریه بر طبق حقوق افغانستان پذیرفته شده است که در بند ۱ ماد ۵۲۳ قانون مدنی تصریح شده است.

۴. فواید تشخیص زمان و مکان عقد

تعیین زمان و مکان اعم از لحاظ نظری و عملی مورد توجه است. چه بسا که این مورد بیشتر در عقود غائبین مطرح شود. بناء، بررسی این مورد عاری از ثمر نیست.

۴-۱. فواید تعیین زمان عقد

در این گفتار سعی شده است که فواید را برشماریم که از تعیین زمان عقد به دست می‌آید.

۴-۱-۱. تعیین زمان امکان رجوع از ایجاب یا قبول

برای تشکیل عقد دو اراده نیاز است. که یکی از آن ایجاب است و دیگری را قبول می‌نامند بناءً، یکی از فواید تشخیص زمان در عقود این است. که تعیین زمان امکان رجوع از ایجاب را مشخص می‌سازد.

و در این مورد که آیا امکان رجوع از ایجاب قبل از ابراز قبول از سوی مخاطب ایجاب ممکن است؟ نظریات مختلفی بیان شده است. تعدادی از حقوق دانان باور دارند این که ایجاب یک تعهد یک طرفه است. و شخص ایجاب کننده می‌تواند. قبل از ابراز قبول از آن رجوع نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۷۴، صفایی، ۱۳۸۲: ۷۹، شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

اما باید میان مدت ایجاب تفاوت قایل شد. مثلاً هرگاه، برای ایجاب مدت معین شده باشد، شخص ایجاب کننده نمی‌تواند. قبل از میعاد رجوع کند. قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۱۷ در این مورد مقرر می‌دارد: «عاقدين بعد از ایجاب تا ختم مجلس عقد بقبول یارد آن اختیار دارند اگر ایجاب کننده بعد از صدور ایجاب و قبل از قبول طرف مقابل از ایجاب رجوع نموده و یا چنان گفتار یا عملی از یکی از عاقدین صادر شود که دلالت بر انصراف از قبول نماید چنین ایجاب باطل بوده و قبول بعد از آن نیز از اعتبار ساقط می‌گردد». به باور تعدادی از حقوق دانان حتی در صورتی که؛ میعاد هم تعیین شده باشد. ایجاب کننده می‌تواند از ایجاب خود رجوع نماید. لکن باید جبران خساره ناشی از رجوع را تأدیه نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۳۱۶-۳۱۷). برخی دیگر از حقوق دانان ایجاب را ایقاع نمی‌دانند. و در عقد بین غائبین معتقدند که مصلحت نوعی در عقد بین غائبین اقتضاء دارد که ایجابی همراه با مدت معین است. قابل رجوع نباشد چرا که در صورت بتوان از ایجاب رجوع کرد، عقد بین غائبین مفهومی نخواهد داشت (لنگرودی، ۱۳۴۹: ۱۴۴-۱۸۳).

حالا در صورتی که این مورد با نظریات مورد پذیرش در حقوق ایران و افغانستان تطبیق دهیم می‌بینیم که فایده این مورد مشخص می‌گردد. بر طبق حقوق افغانستان که نظریه اطلاع پذیرفته، ایجاب کننده می‌تواند که قبل از این که علم حاصل کند. از ایجاب خود رجوع کند. ولی مادامی که نامه به دست وی رسید. و از مفاد آن اطلاع یافت دیگر، حق رجوع را ندارد. و همین‌طور بر طبق حقوق ایران که نظریه اعلان را پذیرفته است. شخص ایجاب کننده تا زمانی که، مخاطب ایجاب، اعلان قبول نکرده باشد. می‌تواند از ایجاب خود رجوع کند. طوریکه قبلاً گفتیم، بعد از آن که قبول اعلان شد، دیگر حق رجوع نخواهد داشت.

۴-۱-۲. تعیین زمان ایجاد آثار عقد

انعقاد ربط مستقیمی با آثار آن دارد. با این توضیح که؛ همین که عقد ایجاد آثار به وجود می‌آید. حالا برای این که؛ آثار عقد را دریابیم که چه زمانی به وجود می‌آید. باید سراغ دریافت زمان تشکیل عقد را بگیریم فایده تشخیص زمان وقوع عقد در عقود تملیکی مطرح می‌شود. و این که؛ مثلاً در عقد بیع، چه زمانی مالکیت به مشتری انتقال می‌یابد. این مورد در حقوق ایران و افغانستان متفاوت است. در حقوق ایران عقد بیعی از طریق عقد غیر حضوری منعقد می‌شود. به دلیل این که؛ نظریه اعلان را پذیرفته است. ملکیت از زمان صدور قبول، از سوی مخاطب ایجاب، به مشتری منتقل می‌گردد. با این نگاه، مال مورد معامله در بدایع، امانت بوده و در صورت تعدی و تفریط، ضامن شناخته می‌شود. و در صورت که از منافع آن استفاده نماید باید اجرت المثل بپردازد. ماده ۳۶۲ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد قرار ذیل است»:

- ۱- به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود.
 - ۲- عقد بیع، بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار می‌دهد.
 - ۳- عقد بیع، بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید.
 - ۴- عقد بیع مشتری را به تادیه ثمن ملزم می‌کند.
- بنابراین، زمان انتقال مالکیت در عقود غیر حضوری، بر طبق حقوق ایران، زمان صدور قبول است. اما در حقوق افغانستان به دلیل این که؛ نظریه اطلاع پذیرفته است. آثار عقد زمانی به وجود می‌آید که بایع از قبول مشتری کاملاً آگاه شود.

۴-۱-۳. تأثیر فوت یا حجر یکی از طرفین در انعقاد عقد

اصول بر قراردادها این است. که عقود لازم با فوت هریکی از طرفین، منحل نشده و به وراثت طرفین انتقال می‌یابد. مگر این که؛ عقد جایز باشد که در این صورت ب فوت یکی از طرفین عقد منفسخ می‌گردد. ماده ۱۳۸۷ قانون مدنی در افغانستان در رابطه با عقد لازم اجاره مقرر می‌دارد: «اجاره به وفات اجاره دهنده یا اجاره گیرنده خاتمه نمی‌یابد، با وصف آن ورثه اجاره گیرنده در صورت وفات وی می‌توانند انتهای عقد اجاره را مبنی بر اثبات این که؛ عواید شان به سبب موت مورث تحمل دوام اجاره را نداشته. یا اجاره از حدود احتیاج شان خارج گردیده است. مطالبه نمایند، مشروط بر این که طلب فسخ حد اکثر در ظرف شش ماه از تاریخ وفات اجاره گیرنده صورت گرفته و مدت معینه اطلاع راجع به تخلیه نیز رعایت شده باشد».

اما در بند ۳ ماده ۱۶۰۶ قانون مدنی افغانستان به دلیل این که؛ عقد وکالت، عقد جایز است. با وفات یکی از طرفین، عقد وکالت را منفسخ می‌داند. در حقوق ایران هم همین‌گونه است. بنابراین بر طبق نظریات چهار گانه در عقود غیر حضوری، تعیین زمان تشکیل عقد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در حقوق ایران که نظریه اعلان را پذیرفته است. حالا در نظر بگیرید در عقد بیع مکاتبه ای صورت گرفته است. و اگر قبل از صدور قبول از سوی مخاطب ایجاب، یکی از طرفین فوت یا محجور شود، عقدی به وجود نمی‌آید. چرا که اگر محجور شوند اهلیت ندارند که عقد را منعقد کنند. و هر گاه فوت کنند ایجاب بدون مخاطب می‌ماند و معنی ندارد.

اما در حقوق افغانستان که نظریه اطلاع پذیرفته است. در صورتی که، ایجاب کننده هنوز از قبول، مخاطب ایجاب اطلاع نیافته است. هرگاه یکی از آنها فوت کند. و یا محجور شود، عقد از ادامه حیات می ماند. اما اگر اطلاع یافتند در صورت فوت و محجوریت یکی از طرفین، با آنهم عقد به حیات خود ادامه خواهد داد. مگر این که؛ عقد جایز باشد (امامی، ۱۳۷۳: ۱۶۲).

۴-۱-۴. تعیین قانون حاکم بر عقد

یکی از فواید تشخیص زمان انعقاد این است. که قانون حاکم بر عقد را مشخص می نماید. ماده ۱۴ قانون مدنی افغانستان مقرر می دارد: «در مورد ادله ای که قبلاً جمع آوری شده، احکام قوانینی تطبیق می گردد. که در وقت جمع آوری و یا وقتی که باید جمع آوری می گردید، نافذ بوده است». و همین طور ماده ۴ قانون مدنی ایران مقرر می دارد: «اثر قانون نسبت به آتیه است. و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این که؛ در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد». بند ۲ ماده ۱۰ قانون مدنی افغانستان مقرر کرده است: «احکام قانون بمقابل رجعت نمی کند. مگر در حالتی که در خود قانون تصریح شده و یا احکام آن متعلق به نظام عامه باشد». با توجه به این مواد، اصل این است. که قانون به ماقبل رجعت داده نمی شود. مگر این که؛ در قانون صراحت داشته باشد. بنابراین برطبق نظریات مطرح شده. در حقوق ایران بر طبق نظریه اعلان باید گفت که قانون زمانی قابل تطبیق است. که در زمان صدور قبول نافذ بوده باشد. و همین طور بر طبق قانون مدنی افغانستان، قانون حاکم خواهد بود که؛ در زمان اطلاع ایجاب کننده، از قبول مخاطب ایجاب، نافذ باشد. حالا باید گفت که؛ در این مدت هر قدر قانون نافذ و یا لغو گردد. ملاک نیست. فقط زمان اطلاع و زمان صدور قبول مهم است. پس، قاعده این است که؛ قانون نسبت به موقعیت های پیشین اثر ندارد. و بدون شک، که عقد هم از این دسته موقعیت ها است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۹۸).

۴-۱-۵. زمان ورشکستگی و مرور زمان

یکی دیگر از فواید تعیین زمان انعقاد عقد در تعیین زمان ورشکستگی تاجر و مرور زمان است. ماده ۹۶۷ قانون مدنی افغانستان مقرر می دارد: «دعوی در حقوق آتی بعد از انقضای مدت یک سال قابل سمع نمی باشد: حقوق طبیب، استاد، مهندس، وکیل مدافع ناشی از انجام وظیفه و بطور عمومی حقوق هر شخصی که شغل آزاد داشته باشد، مانند ادویه فروش، دلال و کمیشن کار واهل خیره.

حقوق تاجر وصنعت گر، در مقابل اشیاء وارداتی و تولیداتی ای که برای اشخاص دیگر داده شده و اشخاص مذکور در آن تجارت نه نمایند.

حقوق صاحبان هتل و رستوران، در مقابل اجرات شب باش، قیمت طعام و دیگر مصارف.

حقوق کارگر، مستخدمین و اجیر، ناشی از اجرت روز مره و یا غیر روز مره.»

بدون شک، حقوق و تعهدات معمولاً پس از انعقاد عقد بریک دیگر بار می شود. پس مرور زمان نیز از همان تاریخ آغاز می گردد. در مورد ورشکستگی نیز به همین منوال باید ارز یابی کرد در صورت که شخص ورشکسته باشد. نمی تواند که عقد منعقد کند. و آیا این که؛ تاجر ادعا کند که گویا ورشکسته بوده است. در این مورد هرگاه بر طبق نظریه اعلان بپذیریم یک نتیجه را ملموس است. و در صورتی که نظریه اطلاع بپذیریم، نتیجه دیگر خواهد داد، در هردو صورت در صورتی که تاجر قبل از صدور حکم ورشکستگی، بر طبق حقوق ایران مبادرت به صدور قبول نماید، و همین طور در حقوق افغانستان ایجاب کننده اطلاع یابد، عقد درست است. و اما در صورتی که؛ ورشکسته شود در میان این دو (صدور قبول و اطلاع ایجاب کننده) عقد بلا اثر است.

۴-۲. فواید تشخیص مکان وقوع عقد

محل اجرای تعهدات قراردادی، تعیین دادگاه صالح و تعیین قانون حاکم از مزیت های تشخیص مکان عقد است.

۴-۲-۱. تعیین دادگاه صالح

ماده ۱۱ قانون آیین داری ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: «دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن، اقامتگاه دارد...» بند ۱ ماده ۲۱ قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان نیز مقرر کرده است. که دعوی مدنی در محکمه محل سکونت مدعی علیه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. حالا در این مورد نظریات پذیرفته در حقوق افغانستان و ایران اگر تطبیق دهیم می‌بینیم که ما را در امر تشخیص محکمه با صلاحیت رهنمون می‌سازد. صلاحیت رسیدگی محکمه محل مدعی علیه برگرفته از ضرب المثل لاتین است. که خواهان مکلف است که دعوی خود را در اقامتگاه خوانده طرح نماید (صدر زاده، ۱۳۷۴: ۱۵۳، شمس، ۱۳۸۰: ۴۱۵).

مبنای این قاعده اصل براءت است. به این مفهوم که اصل این است که ذمه خوانده بری است و دعوی بر وی صادق نیست مگر این که خلاف آن ثابت گردد.

۴-۲-۲. تعیین اجرای تعهدات قراردادی

این یک قاعده‌ای کلی است. که تعهدات باید در محلی اجرا شود. که عقد در آنجا منعقد شده است. لکن موقف نظام حقوقی کشورها مختلف است. ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی افغانستان مقرر کرده است: «تسلیم مبیعه دربیع مطلق در محلی که مبیعه حین انعقاد عقد موجود باشد صورت گرفته و محل عقدجای تسلیمی شناخته نمی‌شود، مگر در صورتی که طرفین به تسلیم مبیعه در محل معین موافقه کرده باشند». اما در ماده ۲۸۰ قانون مدنی ایران محل اجرای تعهد را محل انعقاد عقد می‌داند: «انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده به عمل آید مگر این که بین متعاملین، قرار داد مخصوصی باشد یا عرف و عادت، ترتیب دیگری را اقتضاء نماید». با در نظر داشت ماده ۲۸۰ قانون مدنی ایران حالات ذیل متصور است:

یک) توافق طرفین

گاهی اوقات طرفین قبل و یا بعد از انعقاد عقد مبادرت به تعیین محل اجرای تعهد می‌ورزند که؛ در این صورت، محلی اجرای تعهد شناخته می‌شود و قابل مناقشه نیست.

دو) عرف

در بعضی از مواقع طرفین محل اجرای تعهد را مشخص نمی‌سازند لکن عرف مشخص می‌سازد که چنین تعهد باید در کدام محل اجرا شود. فرض کنید اگر در عرف معمول باشد که؛ ماشین لباس شویی در درب خانه تحویل شود. بایع مکلف است که؛ در درب خانه تحویل مشتری دهد چه این که؛ توافق شده باشد و یا نشده باشد.

۳- این موردی است که؛ نه طرفین مبادرت به تعیین مکان کرده اند. و نه هم عرف چنین صراحتی دارد در این صورت، متعهد باید در محل انعقاد عقد تعهد را اجرا نماید. البته این مورد قبول قانون افغانستان نیست. چرا که قسمت نخست ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی این را می‌رساند که؛ در فرض عدم تعیین مکان از سوی طرفین، تعهد باید در محل انجام شود که؛ مبیع در هنگام انعقاد عقد وجود دارد.

در این صورت، تعیین مکان مهم است. بر طبق نظریه اطلاع باید دریافت که؛ زمانی که ایجاب کننده از قبول اطلاع یافت، مبیع در کجا بوده تا تعهد در همانجا اجرا شود. و یا این که باید دریافت که مخاطب ایجاب در کجا موقعیت داشته بوده، زمانی که قبول خود را صادر می‌کرد تا مکان اجرای تعهد قراردادی مشخص گردد (ابهری، ۱۳۸۲: ۵۰۳).

نتیجه گیری

گفتیم که در عقود غیر حضوری چهار نظریه مورد توجه است؛ ۱- نظریه زمان اعلان ۲- نظریه زمان ارسال ۳- نظریه زمان وصول ۴- نظریه زمان اطلاع. در قانون مدنی افغانستان در مورد این نظریه چهارگانه اعلان موضع نموده است. قانون مدنی افغانستان نظریه اطلاع را پذیرفته است. با این نگاه، عقد غیر حضوری در مکانی ایجاد می‌گردد. که قبولی قابل به ایجاب کننده برسد. و وی از آن اطلاع حاصل نماید. بند ۱ ماده ۵۲۳ قانون مدنی افغانستان در این مورد مقرر می‌دارد: «عقد بین طرفین غایب در زمان و مکانی کامل پنداشته می‌شود که ایجاب کننده از قبول طرف مقابل علم حاصل کرده باشد. مشروط بر این که طرفین یا احکام قانون، مخالف آنرا تصریح نکرده باشد». و همین‌طور در نظریه اطلاع را به عنوان اصل و قاعده تلقی کرده است. و وصول قبولی را قرینه ی بر اطلاع دانسته است. بند ۲ ماده ۵۲۳ در این زمینه مقرر کرده است: «قبول به مجرد وصول به ایجاب کننده چنان فرض می‌شود که به آن علم حاصل شده است». با توجه به این بند قانون مدنی افغانستان همین که قبول به دست ایجاب کننده رسید، فرض می‌شود که ایجاب کننده از مفاد نامه علم حاصل نموده است. و عقد ایجاد می‌شود مگر این که؛ خلاف آن را ثابت نمود، هرچند نامه را وی به دست آورده است. اما هنوز از مفاد آن اطلاعی ندارد.

در حقوق ایران حقوق دانان به دو دسته تقسیم شده اند. تعدادی بر نظریه ارسال تاکید دارند و بعضی هم از نظریه اعلان طرفداری می‌کنند. به هر صورت، اگر به مواد قانون مدنی ایران دقت صورت گیرد؛ نظریه اعلان قبول، مورد پذیرش قرار گرفته است. موقف در این مقاله این است که آنچه از ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران به دست می‌آوریم، این است؛ که در عقود غیر حضوری، زمان را قانون تعیین می‌کند. نه طرفین با این نحوه، زمانی که نامه قبولی نوشته شد، عقد منعقد می‌گردد، دیگر نیاز نیست که طرفین هم در مورد زمان آن بحث نمایند. تنها کاری که می‌توانند نسبت به آثار عقد است.

در مورد مکان انعقاد عقد غیر حضوری نیز همانطور که گفته شده است؛ چون عقد معمولاً از دو رکن یکی ایجاب و دیگری قبول تشکیل شده است؛ پس، هر جا که مخاطب ایجاب، قبول خود را ابراز کند، مکان در نظر گرفته می‌شود. گفتیم که در حقوق افغانستان نظریه اطلاع (اعلام) پذیرفته شده است. و از آنجا که گفتیم عقد زمانی محقق می‌شود که قبول به نحوی بیان شود. حالا در حقوق افغانستان باید این ابراز قبول مخاطب ایجاب، باید به ایجاب کننده برسد تا عقد محقق شود؛ پس، مکان عقد غیر حضوری در حقوق افغانستان مکان ایجاب کننده است. اما در حقوق ایران، از آنجا که نظریه اعلان پذیرفته شد، پس، مکان عقد غیر حضوری، مکان مخاطب ایجاب است. یکی از نقش های زمان عقد تعیین زمان امکان رجوع از ایجاب یا قبول است. با این توصیف؛ برای تشکیل عقد دو اراده نیاز است؛ که یکی از آن ایجاب است و دیگری را قبول می‌نامند. بناءً، زمان در عقود، زمان امکان رجوع از ایجاب را مشخص می‌سازد. از نقش های دیگری زمان عقد، تعیین زمان ایجاد آثار عقد می‌باشد و علاوه بر آن نقش دیگری زمان انعقاد زمانی برجسته می‌شود که یکی از طرفین فوت کند؛ یکی دیگری از فواید تشخیص زمان انعقاد عقد این است که قانون حاکم بر عقد را مشخص می‌نماید و همین‌طور، تعیین زمان ورشکستگی تاجر و مرور زمان است از دیگر نقش های تعیین زمان عقد است. مکان عقد نیز در تعیین دادگاه صالح و مکان اجرای تعهد را نیز نقش دارد.

منابع و مأخذ

۱. امامی، حسن (۱۳۷۳). **حقوق مدنی**، ناشر: کتابفروشی اسلامیة، تهران، جلد اول، چاپ سیزدهم.
۲. احمد سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۹۴). **دوره حقوق تعهدات، قواعد عمومی قراردادها**، ترجمه: سید مهدی داد مرزی و محمد حسین دانش کیا، ناشر: دانشگاه قم، جلد اول، چاپ سوم.
۳. رسولی، عبدالحسین (۱۳۹۶). **قواعد عمومی قراردادها - مطالعه تطبیقی حقوق افغانستان با کشورهای عربی**، ناشر: فرهنگ، کابل، چاپ دوم.
۴. شمس، عبدالله (۱۳۸۰). **آیین داد رسی مدنی**، ناشر: میزان، تهران، جلد اول، چاپ اول.
۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). **تشکیل قراردادها و تعهدات**، ناشر: مجد، تهران، جلد اول، چاپ پنجم.
۶. (۱۳۸۵). **تشکیل قراردادها و تعهدات**، ناشر: مجد، تهران، جلد اول، چاپ پنجم.
۷. صدرزاده، افشار (۱۳۷۴). **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی**، ناشر: جهاد دانشگاهی، تهران، جلد اول، چاپ نهم.
۸. صفایی، سید حسین (۱۳۹۵). **دوره مقدماتی حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها**، ناشر: میزان، تهران، جلد دوم، چاپ بیست و سوم.
۹. علی آباد، حمیدابهری (۱۳۸۲). **زمان و مکان وقوع عقد، رساله دکتری حقوق خصوصی**، استاد راهنما: سید حسین صفایی، دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۴۷۲). **قواعد عمومی قرار دادها**، ناشر: انتشارسهمی، تهران، جلد اول، چاپ سوم.
۱۱. ----- (۱۳۷۴). **حقوق مدنی - الزامهای خارج از قرارداد**، ناشر: میزان، تهران، جلد اول، چاپ اول.
۱۲. ----- (۱۳۶۹). **حقوق انتقال - تعارض قوانین در زمان**، ناشر: داد گستر، تهران، چاپ دهم.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۹). **حقوق تعهدات**، ناشر: مدرسه عالی امور قضایی و اداری قم، قم، چاپ اول.
۱۴. ----- (۱۳۹۲). **تأثیراراده در حقوق مدنی**، ناشر: گنج دانش، تهران، چاپ اول.